



حرف تعریف، نشانه‌ی مفعولی و تکواژ جمع در گویش لری بالاکریوه

سید حمزه موسوی^{*۱}

(In)definite Articles, Object Markers and Plural Morphemes in Lori Bala Geriveh

H. Mousavi^{1*}

Abstract

The present paper aims at describing the three morphological features in Bala Geriveh: Articles, Plurality and Object Marking. This research followed a descriptive-analytic approach towards the three categories. In order to collect data, we have interviewed a group of Lor speakers. Plural morphemes in Lori are *-ya* and *-o* and they seem to be similar to *-ha* and *-an* in Persian. The allomorphs *-en* and *-n* in Lori Bala Geriveh are considered as object markers and have their specific features such as their concatenation with possessive adjectives in plural form and not in singular form. Indefinite article in Lori is *-i* and *ʔ*: in adjectival forms; while, definite article is *-ke* and in adjectival forms. The morpheme *-ke* is an indication of a background knowledge concerning past; while *-e* shows a case, which is observable or recognizable at the moment of speaking. (In)definiteness in Lori is completely different from Persian.

Key Words: Lori Bala Geriveh, Articles, Definiteness, Indefiniteness, Object Markers

چکیده

مقاله‌ی حاضر به توصیف سه ویژگی صرفی حرف تعریف، تکواژ جمع و نشانه مفعولی در گویش لری بالاکریوه اختصاص دارد. این پژوهش رویکردی توصیفی-تحلیلی به سه مقوله‌ی مذکور دارد و برای جمع‌آوری داده‌ها با گویشوران لر مصاحبه‌هایی انجام گرفته است. تکواژهای جمع در این گویش به صورت *-ya* و *-o* می‌باشند و شباهت‌هایی با تکواژهای *-ha* و *-an* در فارسی وجود دارد. تکواژ *-en* یا *-n* در لری بالاکریوه نشانه‌ی مفعول است و ویژگی‌های خاصی را در ترکیب نشان می‌دهد که از آن جمله می‌توان به ترکیب آن با صفات ملکی در حالت جمع و نه مفرد اشاره کرد. نکره در لری بالاکریوه با *i* و در حالت صفتی با *ʔ* بیان می‌شود در حالی که معرفه با *-ke* به کار رفته و در حالت صفتی به همراه *-e* به کار می‌رود. تکواژ معرفه *-ke* بیشتر بیانگر دانش مشترکی است که گویشوران از قبل به اشتراک گذاشته‌اند در حالی که معرفگی با *-e* به اسمی بازمی‌گردد که هم‌اکنون قابل مشاهده است و یا هم‌اینک با آن آشنا شده‌اند. ساخت معرفه و نکره در لری بالاکریوه کاملاً از صورتهای فارسی متمایز است.

کلیدواژه‌ها: لری بالاکریوه، حرف تعریف، معرفه، نکره، نشانه مفعولی

1. Assistant Professor of Linguistics, Shahrood University of Technology, Shahrood, Iran

Email: mousavi.hamzeh@gmail.com

۱. استادیار زبان‌شناسی دانشگاه صنعتی شاهرود، شاهرود، ایران

* نویسنده مسئول:

۱- مقدمه

لری زبان گروهی از مردمان ایران زمین است که در حدود ۴۰ درصد از خاک ایران سکنی گزیده‌اند (امان الهی بهاروند، ۱۳۹۳). این مردمان در استان‌های لرستان، کهگیلویه و بویراحمد، چهارمحال و بختیاری، ایلام، همدان، کرمانشاه، اصفهان، مرکزی، فارس و هرمزگان زندگی می‌کنند (ابراهیمی و عبدی، ۱۳۹۱). لری (lɒri) در استان لرستان دارای دو گونه‌ی عمده است: لری خرم‌آبادی (ابراهیمی و عبدی، ۱۳۹۱) و لری بالاگریوه (سلیمانی و حق‌بین، ۱۳۹۵). در این پژوهش به بررسی حرف تعریف معین و نامعین، نشانه‌ی مفعول و تکواژ جمع در گویش لری بالاگریوه می‌پردازیم. پرسش‌هایی که در این پژوهش مطرح می‌شوند عبارتند از: الف) حروف تعریف در گویش لری بالاگریوه دارای چه علائمی هستند و چگونه به‌کار می‌روند؟ ب) آیا نشانه مفعول همانند فارسی نقش‌های متعدد دارد؟ پ) تکواژ جمع چگونه در کنار حروف تعریف و نشانه‌ی مفعولی به‌کار می‌رود؟

هر چند در سال‌های اخیر توجه زبان‌شناسان به اهمیت گویش‌ها جلب شده ولی همچنان بر روی گویش لری بالاگریوه همانند بسیاری از گویش‌های دیگر پژوهش زبان‌شناختی چندانی انجام نشده است. از جمله کارهایی که در این حوزه انجام گرفته می‌توان به نجفوند (۱۳۹۲) اشاره کرد که در آن افعال را توصیف کرده است. همچنین، سلیمانی (۱۳۹۱) و کامبوزیا و دیگران (۱۳۹۲) به فرآیندهای واجی بر پایه بهینگی پرداخته‌اند. و در نهایت، سلیمانی و حق‌بین (۱۳۹۵) به زمان دستوری و نمود در این گویش نگاهی داشته‌اند. در بخش دوم از این مقاله به‌صورت مختصر توضیحاتی در مورد نشانه مفعولی، تکواژ جمع و حرف تعریف ارائه شده است. در بخش سوم روش تحقیق و شیوه‌ی جمع‌آوری داده‌ها مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. در بخش چهارم به توصیف مقولات مذکور در گویش لری بالاگریوه پرداخته و در برخی موارد آنها را با زبان فارسی مقایسه کرده‌ایم. و در نهایت بحث و نتیجه‌گیری ارائه شده‌اند.

۲- پیشینه‌ی پژوهش

۲-۱- نشانه‌ی مفعولی

نشانه‌ی مفعولی همان‌طور که از نامش پیداست برای مشخص نمودن مفعول مستقیم به‌کار می‌رود و در زبان‌هایی همچون فارسی و ژاپنی مشاهده شده است. نشانه مفعولی به دو شکل به‌کار می‌رود: نشاننداری هسته و نشاننداری وابسته. تالرمین (۲۰۱۱) نشاننداری مفعولی متصل به هسته را نشان داده که در آن نشانه مفعولی به هسته فعلی متصل می‌شود.

(1)	i	ama _s	na _s	-key	-ya _o	na
معرفه	پدر	س ش م ^۱	خریدن	مفعول	نشانه مفعول	معرفه
ri'	muruo					
سبزی	سبزی					

پدر سبزیجات سبز را به فروش می‌رساند (زبان کامبریا).

همان‌طور که مشاهده می‌شود در زبان کامبریا، عبارت i ama با تکواژ صرفی na هماهنگ است و عبارت ri' muru که مفعول جمله است با ya که تکواژ مفعولی سوم شخص مفرد است هماهنگی دارد.

دسته‌ی دیگر از زبان‌ها همچون فارسی و ژاپنی مفعول را با اتصال نشانه به عناصر وابسته نشان می‌دهند. این نقش را در زبان ژاپنی تکواژ o- و در زبان فارسی ra بازی می‌کند. فوجی و اونو (۲۰۰۰) نشان داده‌اند که در زبان ژاپنی ga نشانه فاعلی و o نشانه مفعولی است.

(2)	yofji:	ga	hakaserunbun	o	kaita.
یوشی	یوشی	نشانه فاعل	پایان نامه	نشانه مفعول	نوشت

یوشی پایان‌نامه را نوشت.

در زبان فارسی نیز زبان‌شناسانی همچون دبیرمقدم (۱۳۶۹) به مقوله "را" پرداخته و علاوه بر نقش نشاننداری مفعولی نقش‌های دیگری نیز برای آن ذکر کرده است. حسینی فاطمی (۲۰۱۴) به طبقه‌بندی انواع معانی "را" پرداخته است. وی این دسته‌ها را به شکل زیر معرفی کرده است: (الف) "را" در معنای نشانه معرفه؛ (ب) "را" در نقش تخصیص‌گر؛ (پ) "را" به عنوان نشانه‌ی پیش‌فرض (ر.ک. حسینی فاطمی، ۲۰۱۴).

کمری (۱۹۸۹) معتقد است که "را" در زبان فارسی نشانه مفعول معرفه است و صورت‌های نکره بدون علامت "را" به کار می‌روند و مثال (۳) را برای گفته خود مطرح کرده است.

(۳) الف. کتاب را دیدم.

ب. کتابی دیدم.

اما به نظر می‌رسد این سخن چندان درست نباشد چنان‌چه موارد بسیاری وجود دارند که در آنها تکواژ "را" به همراه عنصر نکره به کار رفته است.

(۴) الف. بالاخره کتابی را کامل خواندم.

ب. * بالاخره کتابی کامل خواندم.

مثال (۴) کامل خوش ساخت است و "کتاب" هم نکره است و هم به همراه نشانه‌ی مفعولی "را" به کار رفته است. در این حالت و زمانی واژه‌ی "کامل" در جمله باشد نه تنها حذف "را" عادی نیست بلکه باعث غیر دستوری شدن جمله نیز می‌شود.

۱. س ش م = سوم شخص مفرد

۲-۲. تکواژ جمع

تکواژ جمع در بسیاری از زبانها به صورت پسوند ظاهر می‌شود و معمولاً برای صورت مفرد نشانه‌ای ظاهر نمی‌شود. برای نمونه در زبان انگلیسی s- و در زبان فارسی پسوند -ها تکواژهای جمع هستند و صورت‌های مفرد نشانه‌ای ندارند. اگر برای "جمع" بیش از یک پسوند به کار رود، آنگاه موارد را می‌توان تکواژگونه‌ی تکواژ جمع در نظر گرفت (هسپلمث، ۲۰۰۲). در زبان انگلیسی تکواژ جمع به شکل /s/, /z/, /ɪz/ تلفظ می‌شود که در حقیقت تکواژگونه‌های تکواژ جمع در زبان انگلیسی هستند. درزی و معظمی (۱۳۸۵) نوشته‌اند که در زبان فارسی نیز جمع به صورت -ها و -ان وجود دارد. وی ذکر کرده که پسوند -ها کاربرد بیشتری دارد و مورد دوم بیشتر به زبان نوشتاری اختصاص دارد. وی از لازار (۱۹۹۲) انتقاد کرده و برخلاف گفه لازار معتقد است که -ان فقط مربوط به جانداران نیست و گهگاه همراه اسمهای مربوط به غیر جانداران هم به کار می‌رود و برای اثبات گفته‌ی خود "درختان" را شاهد آورده‌اند.

۲-۳. حرف تعریف

در دستورهای سنتی دو نوع حرف تعریف را مشخص کرده‌اند: معرفه و نکره. حرف تعریف معرفه را معادل چیزی در نظر گرفته‌اند که آشناست و نکره مرجع جدیدی را معرفی می‌کند. امروزه حرف تعریف را بخشی از طبقه بزرگتری از واژگان نقشی به نام تخصیص‌گر^۲ قرار داده‌اند (اسمیت، ۱۹۶۴؛ هایم، ۱۹۸۳؛ تالرمین، ۲۰۱۱). تالرمین (۲۰۱۱: ۵۳) از دسته‌ای از تخصیص‌گرها در زبان انگلیسی نام برده که در جدول (۱) به آنها اشاره می‌شود و سعی شده برای فارسی نیز مثال‌هایی ارائه شود.

جدول (۱): تخصیص‌گرها در زبان انگلیسی و فارسی

تخصیص‌گر	زبان فارسی	زبان انگلیسی
حرف تعریف	کتابی، کتاب، کتاب	The papers, a problem, an egg
اسامی اشاره	این مداد، آن مداد	This paper, these papers, that egg, those eggs
تخصیص‌گرهای پرسشی	کدام رنگ، چه مدادی	What colour, which papers
کمیت‌نماها	مقداری آب، همه آنها، هیچ وقت و ...	Some milk/eggs, each paper, every boy, all cases, no time, most eggs, much time, any eggs
تخصیص‌گرهای ملکی	بچه‌ی من، کتابم، بچه‌اش، کودکش	My child, her/his child, our child, Lee's child
ضمایر	ما ایرانیان، شما جوانان	We/us linguists, you boys

۱. به نظر می‌رسد "درختان" هم جاندار باشند.

تالرمن (۲۰۱۱) قرار دادن حرف تعریف در طبقه‌ی تخصیص‌گر را به این علت دانسته که در زبان انگلیسی فقط یکی از این موارد را می‌توان قبل از اسم قرار داد. به این ترتیب در زبان انگلیسی نمی‌توان *this my child** را ساخت.

لاینز (۲۰۰۳) با تأکید بر اینکه در زبان انگلیسی تنها *a* و *the* برای بیان معرفه و نکره بودن به‌کار نمی‌روند و این ویژگی ممکن است با ویژگی‌های صرفی و دستوری دیگری نیز بیان شوند، حروف تعریف را معرفه ساده و نکره ساده نامیده است. وی، همچنین، از دو نوع حرف تعریف معرفه و نکره در زبان‌های دنیا نام برده است: حرف تعریف واژگانی (*a* و *the* در زبان انگلیسی) و حرف تعریف وندی (ال- و -ن در زبان عربی). با این وجود، تالرمن (۲۰۱۱) نشان داده که در برخی از زبان‌ها همچون سوئدی، نروژی و دانمارکی معرفگی را هم به‌صورت صرفی و هم واژگانی نشان می‌دهند (مثال ۵ برگرفته از زبان سوئدی).

(5) A. Mus -en

معرفه موش

B. den hungrigamus -en

معرفه- موش گرسنه معرفه

در باب معنای *the* در عبارت *the car* دستورنویسان نوشته‌اند که این حرف تعریف به ماشینی خاص اشاره می‌کند و نه هر ماشینی. لاینز (۲۰۰۳) این مورد را رد کرده و می‌نویسد که در جمله‌ی *I bought a car this morning* ماشین در ذهن گوینده مشخص است و به هر ماشینی اشاره نمی‌کند با این وجود نکره است. تایلر (۲۰۰۳) از سوی دیگر حروف تعریف را به دو دسته معرفه و نکره تقسیم کرده و معتقد است که نکره خود به دو دسته تقسیم می‌شود: نکره مشخص و نکره نامشخص. وی معرفه را تعریف کرده و می‌نویسد که گوینده به موردی خاص توجه کرده و فرض را بر این قرار می‌دهد که شنونده به طور واحد قادر است آن را تشخیص دهد. در حالی که در نکره‌ها از شنونده انتظار نمی‌رود که موردی خاص را تشخیص دهد. در نکره مشخص، گوینده موردی خاص را در ذهن دارد، در حالی که در نکره نامشخص مورد مطرح شده دلبخواهی است.

تالرمن (۲۰۱۱) نشان داده که برخی از زبان‌ها ممکن است هر دو یا یکی از حروف تعریف را نداشته باشند و برای نشان دادن آن از ویژگی‌های دیگری بهره ببرند. این مورد را می‌توان در مثال-های (۲) از زبان چینی ملاحظه کرد.

(6) A. ta mi pingguo le

نمود سبب خرید او

او سیبی خرید

B. ta pingguo mai le

نمود خرید سبب او

او سیب را خرید.

در این حالت مثال (2a) نکره و (2b) معرفه است و از طریق جابجایی فعل و مفعول حاصل شده است.

برخی زبان‌شناسان به معرفه و نکره در زبان فارسی پرداخته‌اند. برخی از زبان‌شناسان همچون انوری و گیوی (۱۳۹۵) معتقدند که زبان فارسی فقط برای نکره نشانه دارد و معرفه را همچون زبان چینی با ابزار صرفی و دستوری دیگری نشان می‌دهد. برخی دیگر نیز معتقدند که زبان فارسی برای نکره از "یک" و "ی" استفاده می‌کند و برای معرفه از واحد واج-واژی /a/ و /e/ در پایان اسم مفرد بهره می‌برد (عبدالمالکی، ۱۳۸۵؛ قطره، ۱۳۸۶؛ ماهوتیان و گبهارت، ۱۹۹۷، راسخ مهند، ۱۳۸۸).

۳- جمع آوری داده‌ها و روش پژوهش

سلیمانی و حق‌بین (۱۳۹۵: ۲۴۶) ذکر کرده‌اند که گویش بالاگریوه "پیش از آنکه به منطقه خاصی تعلق داشته باشد، زبان اقوام و طوایفی در غرب کشور است که در جنوب لرستان، شمال خوزستان و شرق ایلام سکونت دارند. لری بالاگریوه دارای گونه‌های متعددی است که از نظر آوایی و واژگانی با یکدیگر تفاوت دارند. این تفاوت، در دستور کمتر دیده می‌شود." از این رو، داده‌های این پژوهش از طریق مصاحبه با گویشورانی که در شهر خرم‌آباد و روستاهای اطراف آن، روستاهای دارایی و دیناروند، ساکن هستند به دست آمده است و داده‌های پژوهشی به منظور توصیف و تحلیل تکواژ جمع، نشانه مفعولی و تکواژ معرفه و نکره جمع‌آوری شده‌اند.

۴- تحلیل داده‌ها

در این بخش از مقاله به توصیف مقوله حرف تعریف، نشانه مفعول و تکواژ جمع در گویش لری بالاگریوه می‌پردازیم. برای این کار ابتدا با تکواژ جمع شروع می‌کنیم.

۴-۱- تکواژ جمع

تکواژ جمع در گویش لری بالاگریوه همانند زبان فارسی و بسیاری از گویش‌های دیگر با پسوند نشان داده می‌شود. پسوند غالب در این گویش ya- است که تقریباً با همه‌ی اسم‌ها جمع بسته می‌شود.

(7) A. qelam- ya

مدادها

B. dafter- ya

دفترها

C. asare-ya

ستاره‌ها

D. piya- ya

مردها

علاوه بر تکواژ -ya گاهی از تکواژ -u نیز برای نشان دادن جمع استفاده می‌شود. این تکواژ فقط به همراه اسامی جاندار به کار می‌رود.

(8) A. døxter-u

دخترها

B. kor-u

پسرها

C. zen-u

زن‌ها

D. xwar- u

خواهران

E. gap- u

بزرگان

E. *piya- u

مردها

جالب است که از منظر واجی هر جا در فارسی رسمی an وجود دارد در گویش لری به u تبدیل شده و صدای n تنها در حالت ترکیبی ظاهر می‌شود. برای مثال، nan در فارسی رسمی در لری به صورت nu تکامل پیدا کرده است، اما در بافتی که عنصر جمع به آن افزوده می‌شود به صورت nun-ya درمی‌آید. این حالت در مورد تکواژ جمع u نیز رخ می‌دهد و در جایی که به صورت ترکیبی به کار رفته صدای n نیز ظاهر می‌شود.

(9) A. kor- un-ef

پسرهایش

B. døxter-un-em

دخترانم

C. berar- un-fu

برادرانشان

در مورد تکواژ جمع ya (مثال‌های ۷) باید بیفرائیم که این تکواژ در کنار پسوند‌های ملکی بدون تغییر باقی می‌ماند و این نشان می‌دهد که n در مثال‌های (۹) واج میانجی نیست و بخشی از تکواژ است که فقط در حالت ترکیبی ظاهر می‌شود.

(10) A. qelam- ya-f

قلم‌هایش

B. dafter- ya- fu

دفترهایشان

C. ketaw- ya- m

کتابهایم

همان‌طور که از داده‌ها مشخص شد تکواژ جمع در لری بالاگریوه یا به‌صورت ya است و یا به‌صورت ʊ و در ترکیب به شکل ʊn به‌کار می‌رود.

۴- نشانه‌ی مفعولی

در گویش لری بالاگریوه نشانه مفعولی در بسیاری از موارد به‌صورت -en و گاهی هم به‌صورت -n نمود پیدا می‌کند. مثال‌های (۱۱) هر دو مورد را نشان می‌دهند. همچنین، مثال (11D) نشان می‌دهد که -en یا -n نشانه مفعولی است و به همراه فاعل به‌کار نمی‌رود.

- (11) A. ketaw -en biyar.
 کتاب مفعول نشانه مفعول بیاور
- کتاب را بیاور.
- B. piya -n de xew bi:yar kerdi!
 مرد نشانه مفعول از خواب بیدار کردی
- مرد را از خواب بیدار کردی.
- C. meli:tʃæk -en perni.
 گنجشک نشانه مفعول پرانید
- گنجشک را پرانید.
- D. *meli:tʃæk -en peres.
 گنجشک نشانه مفعول پرید

تکواژ -n می‌تواند همراه ضمائر فاعلی آمده و آنها را به ضمیر مفعولی تبدیل کند. از منظر واجی -n زمانی ظاهر می‌شود که ستاک با یک واکه پایان یابد. جدول (۲) ضمائر فاعلی و مفعولی را در گویش لری نشان می‌دهد.

جدول (۲): ضمائر فاعلی و مفعولی در گویش بالاگریوه

مفعولی	فاعلی	
me-n	me	اول شخص مفرد
tø-n	tø	دوم شخص مفرد
u:-n	u:	سوم شخص مفرد
ima-n	ima	اول شخص جمع
fema-n	fema	دوم شخص جمع
u:nʊ-n	u:nʊ	سوم شخص جمع

نشانه مفعول بعد از صفات ملکی مفرد به کار نمی‌رود و ظاهر شدن این تکواژ باعث غیر دستوری شدن جمله می‌شود. این مورد در مثال‌های (۱۲) قابل مشاهده است.

(12) A. rew ketaw -ef si-f biyar.

برو کتابش -برایش بیاور

برو کتابش را برایش بیاور.

B. maʃi:n -ef bərd -e ser kar.

ماشینش -برایش برده است سر کار

ماشینش را به محل کار برده است.

C. *maʃi:n-ef-en bərd -e ser kar.

جالب اینکه وقتی هم صورت جمع و هم صفت ملکی باشد، آنگاه تکواژ مفعولی به صورت n-

ظاهر می‌شود. همچنین، اگر مفعول جمله جمع بسته شود آنگاه نشانه‌ی مفعولی نیز ظاهر می‌شود.

(13) A. pi:l -ef døzi:n.

پولش -برایش دزدیدند

پولش را دزدیدند.

B. *pi:l-ef-en døzi:n.

C. pi:l-ya-f-en døzi:n.

پولهایشان را دزدیدند.

D. pi:l -fʊ -n døzi:n.

پول -ایشان نشان مفعول -دزدیدند

پولشان را دزدیدند.

E. pi:l -ya -fʊ -n døzi:n.

پولها -ایشان نشان مفعول -دزدیدند

پولهایشان را دزدیدند.

صفات ملکی به همراه نشانه مفعولی در جدول (۳) آمده‌اند. در این جدول می‌توان صورت‌های

مفرد و جمع و ضمائر ملکی را مشاهده کرد.

جدول (۳): صورت‌های ملکی به همراه نشانه مفعولی

تکواژ وابسته ملکی در ترکیب با medad	تکواژ آزاد ملکی در ترکیب با medad	
medad-em/*medad-em-en	medad men	اول شخص مفرد
medad-et/*medad-et-en	medad tøn	دوم شخص مفرد
medad-ef/*medad-ef-en	medad u:n	سوم شخص مفرد
medad-mon	medad iman	اول شخص جمع
medad-ton	medad fəman	دوم شخص جمع
medad-fʊn	medad u:nøn	سوم شخص جمع

۴-۳- حرف تعریف

۴-۳-۱- حرف تعریف نکره

در گویش لری حرف تعریف نکره را با استفاده از تکواژ I می‌سازند. عنصر نکره می‌تواند به انتهای اسم یا واژه‌هایی که اسم را مشخص می‌کنند متصل شود. در این مورد شبیه -ی نکره در فارسی عمل می‌کند با این تفاوت که در گویش لری بالاگریوه تلفظ متفاوتی دارد و به صورت کوتاه تلفظ می‌شود.

(14) A. xodkar - I xari:m.
خودکار نکره خریدم

خودکاری خریدم.

B. xodkar xu -I xari:m.
خودکار خوب نکره خریدم

خودکار خوبی خریدم.

C. æ si: tʃi xodkar sewz -3: eʃges -3:
پس چه برای خودکار سبز نکره شکسته نکره
geron-I xæri:di:e
نکره گران خریدهای

پس چرا خودکار سبز شکسته گرانی خریدهای؟

همان‌طور که در مثال (14C) مشاهده می‌شود هر گاه صفتی به اسم افزوده شود در برخی از موارد صورت نکره به شکل تکواژ 3: ظاهر می‌شود. همچنین در مثال‌های (14B, C) صفت پایانی به همراه تکواژ I- آمده است، اما سوال این است که آیا می‌توان هر کدام از این تکواژها را با دیگری جایگزین کرد یا خیر. در مثال‌های (15) این مورد بررسی شده است.

(15) A. xodkar xu -I/3: xari:m.
B. æ si: tʃi xodkar sewz-3:/*I eʃges-3:/*I geron-I/3: xæri:di:e?
C. æ si: tʃi xodkar geron-3:/*I eʃges-3:/*I sewz-I/3: xæri:di:e

همان‌طور که از مثال‌های (۱۵) مشهود است اگر همراه اسم فقط یک صفت آمده باشد، همراه آن صفت یا I یا 3: به کار می‌رود. اگر همراه اسم بیش از یک صفت آمده باشد آنگاه همه‌ی صفات علامت نکره دریافت می‌کنند با این تفاوت که انتخاب تکواژ I یا 3: فقط برای صفت پایانی اختیاری است و صفات دیگر همگی 3: دریافت می‌کنند. به علاوه باید دقت داشت که در حالی که I هم همراه اسم و هم همراه صفت پایانی به کار می‌رود، 3: فقط همراه صفت‌ها به کار رفته و همراه اسم ساختاری غیر دستوری به دست خواهد داد.

(16) A. xodkar-I/* 3: xari:m.
B. qela -I/*3: nefese ser deræxt
کلاغ نکره نشسته بر روی درخت

کلاغی بر روی (شاخه‌های) درخت نشسته است.

اما این قانون یک استثنا هم دارد و آن زمانی است که اسم به e ختم شود، در آن حالت e پایانی در 3 ادغام شده و همراه تکواژ I غیر دستوری خواهد بود. در این مورد، اگر واژه‌های ما dzome (پیرآهن، جامه) و asare (ستاره) باشند آنگاه صورت نکره آنها را می‌توان در مثال‌های (۱۷) یافت.

(17) A. dzome - 3:/*I si:t awerdme
آورده‌ام برایت نکره جامه

جامه‌ای برایت آورده‌ام.

B. asar -3:/*I dzorese
سوخته و فرو افتاده است نکره ستاره

ستاره‌ای (شهاب سنگی) ذوب شده و فروافتاده است.

گاهی تکواژ نکره ممکن است به همراه تکواژ جمع به‌کار رود، در این حالت همگی کلمات، از جمله آن‌هایی که به e ختم می‌شدند، به همراه تکواژ نکره I به‌کار می‌روند.

(18) A. tʃi: -ya -I si:t awerdme ʃayæt
شاید آورده‌ام برایت نکره ها چیز

xofet bia
بباید خوشت

چیزهایی (لوازمی) برایت آورده‌ام که شاید خوشت بباید.

B. deræxt -ya -I ke tʃøkni:di:e
کاشته‌ای که نکره ها درخت

han kodza
کجا هستند

درخت‌هایی که کاشته‌ای کجا هستند؟

در جملات مرکب نشانه مفعولی به‌صورت اختیاری می‌تواند قبل از ke به‌کار رود، اما در جملات ساده به‌کار نمی‌رود. باید دقت داشت که گاهی ممکن است نشانه ke در جملات مرکب حذف شود، اما نشانه‌ی مفعولی پس از عنصر نکره باقی مانده باشد. این موارد را در مثال (۱۹) می‌توان ملاحظه کرد.

(19) æks -I -n ni:mi: zir tæxt
تخت زیر گذاشته بودم نشانه مفعول نکره عکس

i:se ni:seʃ
نیستش اکنون

عکسی را که زیر تخت گذاشته بودم الان نیست.

در نهایت اینکه گاهی برای تأکید ممکن است تکواژ ye به معنای "یک" هم در ابتدای عبارت ظاهر شود. در این حالت، اسم به‌صورت مفرد یا جمع به‌کار می‌رود. این بدان معناست که ye در

معنای نکره معنای مفرد بودن خود را از دست داده و فقط بیانگر نکره است. این مورد را در مثال- های (۲۰) می توان یافت.

(20) A. ye gu:fi: -i xæri:me bi:ni xu:e?
یک گوشی نکره خریدم ببین خوبه

یک گوشی (ای) خریدم ببین خوبه؟

B. samsong ye gu:fi: -ya -i saxte ke nəu.
سامسونگ یک گوشی ها نکره ساخته که نگو

سامسونگ گوشی هایی ساخته که نگو.

C. *ye gu:fi: -ya xæri:m.
یک گوشی ها خریدم

مثال (20C) نشان می دهد که ye در گویش لری بالاگریوه به معنای "یک" هم به کار می رود و ساختار آن با ye نکره متفاوت است و در حالت نکره ربطی به شمار "یک" ندارد، این در حالی است که در زبان های دیگر از جمله زبان انگلیسی حرف تعریف نکره هم زمان بیانگر شمار هم می باشد.

۴-۳-۲- حرف تعریف معرفه

حرف تعریف معرفه را در گویش لری بالاگریوه با استفاده از تکواژ -ke نشان می دهند. این تکواژ به اسم چسبیده و منظور اسم یا شیء خاصی است که گوینده و شنونده از قبل در مورد آن دانش مشترک دارند و آن یا آنها برایشان قابل تشخیص است.

(21) A. ki:f -ke ræng -eʃ sewz bi:?
کیف معرفه رنگ ش- سبز بود

رنگ کیف سبز بود؟

B. ze -ke hisæ dəm der.
زن معرفه معرفه در جلوی ایستاده

خانم جلوی در ایستاده است.

در مثال (21A) گوینده و شنونده در مورد کیفی صحبت می کنند که از قبل آن را می شناسند و در مثال (21B) گوینده و شنونده به دانش قبلی خود در مورد خانمی خاص رجوع کرده و بنابراین هر دو آن را می توانند تشخیص دهند.

در مثال های (۲۲) جملات معادل در زبان فارسی را می توان با e بیان کرد با این تفاوت که این ساختار در زبان فارسی فقط به همراه اسامی مفرد به کار می رود و در حالت جمع برای بیان معرفه هیچ علامتی وجود ندارد. در گویش لری بالاگریوه می توان از تکواژ ke برای بیان اسامی معرفه جمع نیز استفاده کرد.

(22) A. ræng ki:f -ya: -ke sewz bi:?
رنگ کیف ها معرفه سبز بود

رنگ کیف‌ها سبز بود؟

B. zen -on -ke hisane dæm der
زن ها معرفه ایستاده‌اند در جلوی

زن‌ها جلوی در ایستاده‌اند.

حرف تعریف معرفه ke گاهی با تکواژ مفعولی en یا n ترکیب می‌شود و به صورت ken درمی‌آید. در این حالت ken به صورت یک واژه‌بست به انتهای اسم یا صفت متصل می‌شود و اشیایی را دربرمی‌گیرد که در جایگاه مفعول قرار گرفته و از قبل برای گوینده و شنونده آشنا هستند.

(23) A. rew qavez -ke -n bɪyar
برو کاغذ برو بیاور نشانه مفعول معرفه کاغذ برو

برو کاغذ را بیاور.

B. dʒume -ya -ke -n si:f bəʊr
جامه ها نشانه مفعول نشانه مفعول بیر برایش

جامه‌ها را برایش بیر.

اما ترکیب‌های حرف تعریف در گویش لری به همین‌جا ختم نشده و گاهی به همراه ضمائر ملکی نیز به کار می‌رود. هر گاه ضمیر ملکی به حرف تعریف معرفه متصل می‌شود حرف تعریف را از صورت ke به kæ تبدیل می‌کند. این بدان معنا است که حرف تعریف ke هم دارای تکواژگونه است.

(24) A. gol -ya -ʃ -en si:f bəʊr,
ها گل ش نشانه مفعول بیر برایش

گلهایش را برایش بیر.

B. gol -ya -kæ -ʃ -en bəʊr si:f.
گل ها معرفه ش مفعول بیر برایش

گلهایش را برایش بیر.

همان‌طور که مشاهده می‌شود در مثال‌های (۲۴) هر دو جمله به یک شکل ترجمه شده‌اند و دلیل آن عدم وجود حرف تعریف معرفه‌ی جمع در زبان فارسی است. فرق مثال‌های (۲۴) در این است که گوینده و شنونده در مورد (24B) از قبل آگاهی کاملی از گل‌ها دارند و در واقع به گل‌هایی اشاره می‌کنند که قبلاً هر دوی آنها در مورد آن دانش مشترک دارند. این در حالی است که در مثال (24A) در مورد این دانش قبلی نمی‌توان با قطعیت صحبت کرد؛ به عبارت دیگر، دریافت‌کننده‌ی گل‌ها ممکن است از ماهیت گل‌ها اطلاع نداشته باشد.

همانند حرف تعریف نکره، حرف تعریف معرفه هم رفتار متفاوتی نسبت به صفات دارد. همان‌طور که در مورد نکره آمده، به همراه صفاتی که با اسم نکره به کار رفته‌اند: 3 به کار می‌رود و صفت پایانی، به شرطی که به e ختم نشده باشد، به شکل اختیاری از بین I یا 3 یکی را انتخاب

می‌کند. در مورد معرفه هم صفاتی که همراه اسم معرفه به کار می‌روند با استفاده از عنصر معرفه ساز e معرفه می‌شوند.

(25) A. maʃi:n -ke mæne ser ki:tʃe.
ماشین معرفه مانده سر کوچه

ماشین سر کوچه منتظر مانده است.

B. maʃi: sɔr -e -ke mæne ser ki:tʃe.
ماشین سر کوچه معرفه معرفه سر مانده معرفه سر کوچه

ماشین قرمز سر کوچه منتظر مانده است.

C. maʃi: sɔr -e mæne ser ki:tʃe.
ماشین قرمز معرفه مانده سر کوچه

ماشین قرمز سر کوچه منتظر مانده است.

D. maʃi: sɔr -e qeʃæŋg -e mæne ser
ماشین سر مانده معرفه قشنگ معرفه سر

ki:tʃe
کوچه

ماشین قرمز قشنگ سر کوچه منتظر مانده است.

به این ترتیب، در حالت اسمی فقط ke نشانه معرفه است ولی وقتی صفتی افزوده می‌شود صفت ها همراه e به کار می‌روند و به صفت پایانی ممکن است ke افزوده شود یا نشود. نکته دیگر اینکه، کاربرد صفات هنگامی که فقط e هست با زمانی که ke هم وجود دارد از نظر معنایی تفاوت دارد. در مثال (25B) عبارت maʃi: sɔr-e-ke به ماشین قرمز باز می‌گردد که گوینده و شنونده آن را از قبل می‌شناسند و به راحتی برایشان قابل شناسایی است. در (25C) maʃi: sɔr-e ماشین قرمز است که گوینده و شنونده در حال حاضر با آن آشنا شده‌اند یا در حال آشنایی با آن هستند. در مکالمه (۲۶) در پاسخ به "کدام ماشین" شخص به رویدادی اشاره می‌کند که باعث آشنایی آنها با ماشین قرمز شده است.

(26) A: hi maʃi: sɔr-(e)-ke ni
این ماشین این نیست

این (همون) ماشین قرمز نیست؟

B. komi: maʃi: sɔr-e-ke?
کدام ماشین قرمز

کدام ماشین قرمز؟

A: maʃi:n-ke ke zæ min æli:reza
ماشین که زد علیرضا توی

ماشین که به (ماشین) علیرضا زد.

حال آنکه در مکالمه (۲۷) و زمانی که پسوند ke به کار نرفته گویشور در پاسخ فرض را بر این می‌گیرد که شنونده ماشین مورد نظر را هنوز ندیده یعنی هنوز در مرحله‌ی اول شناخت قرار دارد. به عبارت دیگر اول باید از لحاظ فیزیکی آن را درک کند و بشناسد تا بعد بتواند از لحاظ پیشینه تاریخی مشترک بین دو گویشور آن را به رویدادی خاص نسبت دهد. شاید به همین دلیل باشد که در جمله یا فقط e به کار می‌رود یا هر دو با هم به کار می‌روند؛ زیرا وجود یکی جای خالی دیگری را پر نمی‌کند.

(27) A: hɪ maʃi: sɔr-(e)-ke ni
این ماشین قرمز نیست

این (همون) ماشین قرمز نیست؟

B: komi: maʃi: sɔr-e?

کدام ماشین قرمز؟

A: ʊ hone ke ha ver dɔkɔn ʃamæmed
اشاره آن که هست جلوی دکان شاه‌محمد

همان که جلوی دکان شاه‌محمد هست (گوینده به ماشین اشاره می‌کند).

همچنین، همان‌طور که قبلاً گفته شد، نکره با استفاده از 3 و معرفه با استفاده از e بیان می‌شود. برای نشان دادن تفاوت بین آن‌ها می‌توان maʃi: sɔrə را به همراه اسامی اشاره به کار برد، در حالی که maʃi: sɔr3 است به همراه اسامی اشاره کاربرد ندارد.

(28) A: se o maʃi: sɔr-e.
بین آن ماشین قرمز

نگاه اون ماشین قرمز.

B. *se o maʃi: sɔr-3:!

در نهایت تطابق این (hɪ, hɪ, ɪ) و آن (hone, ho, o) را با هر یک از صورتهای معرفه و نکره بررسی می‌کنیم. از آنجا که صورتهای hɪ, hɪ و hone, ho به صورت ضمیر اشاره‌ای به کار می‌روند، فقط دو صفت اشاره‌ای (o و ɪ) را در این قسمت بررسی می‌کنیم.

(29) A. *o/ɪ maʃi:n-ɪ
B. *o/ɪ maʃi:n-ke
C. o/ɪ maʃi:

در مثال‌های (۲۹) صفات اشاره نه در حالت معرفه به کار می‌روند و نه نکره بلکه فقط زمانی به کار می‌روند که یا بدون علامت ظاهر شده باشند و یا اینکه عنصر معرفه e به صفت چسبیده باشد (مثال 28A). "ماشین" در مثال (29C) به دلیل کاربرد با صفات اشاره معرفه شده ولی گاهی اسامی بدون علامت به عنوان اسم جنس به کار می‌روند که در ادامه به آن می‌پردازیم.

۴-۳-۳. اسم جنس

اسم جنس به اسمی بازمی‌گردد که به طبقه‌ای خاص اشاره می‌کند. اسم جنس در زبان‌های مختلف معمولاً بدون هیچ نشانه‌ای به کار می‌رود. در زبان فارسی نیز اسم جنس بدون هیچ وابسته‌ای به کار می‌رود، اما گاهی هم به صورت جمع هم به کار می‌روند (راسخ مهند، ۱۳۸۸). مثال‌های زیر را راسخ-مهند ارائه داده تا نشان دهد که صورت اسمی بدون علامت یا به همراه تکواژ جمع ممکن است در نقش اسم جنس ظاهر شود.

(۳۰) الف. آب مایع حیات است.

ب. اسب حیوان نجیبی است

پ. مارها خزنده هستند.

وی همچنین ابراز کرده که اسم در صورتی که به همراه حرف تعریف معرفه یا نکره به کار رود دیگر نمی‌توان آن را اسم جنس در نظر گرفت.

در گویش لری بالاگریوه همانند فارسی اسم جنس بدون هیچ علامتی به کار می‌رود و گاهی ممکن است اسم جمع در نقش اسم جنس ظهور یابد.

(31) A. mar tʃi: sæxt-y -e
 است سختی چیز مار

مار حیوان سرسختی است.

B. mar-ya sæmi: -en.
 هستند سمی مارها

مارها سمی هستند.

راسخ‌مهند (۱۳۸۸) نوشته که در زبان فارسی تفاوتی بین اسم جنس مفرد و اسم جنس جمع وجود دارد. برای نمونه، به اسم جنس مرکب اشاره کرده و می‌گوید در حالت مرکب فقط می‌توان از اسم جنس بدون نشانه استفاده کرد؛ در این حالت کتاب‌خانه گفته می‌شود ولی "کتاب‌هاخانه" درست نیست. وی همچنین نشان داده که هر گاه در جمله فعل ربطی باشد اسم جنس بدون نشانه به کار می‌رود؛ به این ترتیب، در جمله‌ی "رضا دانشجو است"، نمی‌توان "دانشجو" را به صورت جمع به کار برد.

بحث و نتیجه‌گیری

در مقاله حاضر به توصیف تکواژ جمع، نشانه مفعولی و حرف تعریف در گویش لری بالاگریوه پرداختیم و برخی از ویژگی‌های این سه تکواژ را بررسی کردیم. اگر تکواژ جمع در گویش لری بالاگریوه را با فارسی مقایسه کنیم به دو وند صرفی مشابه برمی‌خوریم. پسوند تصریفی -ya- در لری بالاگریوه همانند پسوند -ها در زبان فارسی است و به هر اسمی متصل می‌شود و از لحاظ آوایی هم

مشابه آن است. همچنین، پسوند \bar{o} که در حالت ترکیبی به \bar{on} تبدیل می‌شود نتیجه تبدیل آوایی \bar{an} به \bar{on} و در نهایت حذف n در این گویش می‌باشد. همانند فارسی پسوند \bar{o} تنها همراه جانداران به کار می‌رود.

نشانه مفعولی $-en$ و $-n$ در لری بالاگریوه برخلاف "را" در زبان فارسی به صورت واژه‌بست ظاهر می‌شود. این واژه‌بست‌ها بر خلاف "را" در زبان فارسی که معانی متفاوتی را ممکن است با خود به همراه داشته باشد (دبیرمقدم، ۱۳۶۹)، به طور خاص تری نشانگر مفعول هستند و چندان ارتباطی به مقولاتی همچون معرفه و نکره ندارند، چنانچه در لری بالاگریوه گاهی ممکن است نشانگر مفعولی همراه عنصر نکره ساختار $ketow-in$ (کتابی را) را بسازد که البته به نظر می‌رسد مشابه فارسی هم هست و در مواردی ربطی به معرفه بودن ندارد. پسوند $-en$ در گویش بالاگریوه برخلاف "را" در فارسی به همراه صفات ملکی در حالت مفرد به کار نمی‌رود ولی در حالت جمع به کار می‌رود.

نکره در گویش لری بالاگریوه با I بیان می‌شود و با وجود تفاوت تلفظی با $-i$ نکره در زبان فارسی کاربردهای آن تقریباً مشابه است. کاربرد 3 در لری بالاگریوه به همراه صفات از ویژگی‌های عنصر نکره در لری بالاگریوه است. عنصر معرفه هم اگر به صورت $-ke$ نمایان شود بیانگر دانش مشترک است که گویشوران از یک اسم خاص در ذهن دارند و آنها از قبل از این پدیده‌ی به خصوص آگاهی یافته‌اند. هنگامی در ترکیب‌ها به صفت عنصر معرفه $-e$ متصل می‌شود بیانگر آشنایی فیزیکی با پدیده‌ای خاص در زمان کنونی است و نه دانش مشترک تاریخی در مورد پدیده‌ای خاص.

منابع

- امان الهی بهاروند، سکندر (۱۳۹۳). قوم‌گر (پژوهشی درباره پیوستگی قومی و پراکندگی جغرافیایی لرها در ایران). تهران: انتشارات آگاه.
- انوری و گیوی (۱۳۹۵). دستور زبان فارسی ۲ (ویراست چهارم). تهران: انتشارات فاطمی.
- دبیر مقدم، محمد (۱۳۶۹). پیرامون "را" در زبان فارسی. مجله زبان‌شناسی، دوره ۷، شماره ۱، صص. ۱-۶۰.
- درزی، علی و آرزو معظمی (۱۳۸۵). تکواژ جمع در زبان فارسی. مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دوره ۵۷، شماره ۲، صص. ۷۷-۹۵.
- راسخ‌مهند، محمد (۱۳۸۸). معرفه و نکره در زبان فارسی. مجله دستور، شماره ۵، صص. ۸۱-۱۰۳.
- سلیمانی، آرزو (۱۳۹۱). توصیف فرایندهای واجی گویش بالاگریوه: رویکرد بهینگی. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- سلیمانی، آرزو و فریده حق‌بین (۱۳۹۵). زمان دستوری و نمود در گویش لری بالاگریوه. جستارهای زبانی، شماره ۷ دوره ۲، صص. ۲۴۵-۲۶۲.
- عبدالمالکی، حسین (۱۳۸۵). واژه‌بست تصغیر و معرفه در زبان فارسی. مجله زبان‌شناسی، شماره ۴۱ و ۴۲، صص. ۹۷-۱۰۵.
- قطره، فریبا (۱۳۸۶). مشخصه‌های تصریفی در زبان فارسی امروز. مجله دستور، شماره ۳، صص. ۵۲-۸۱.
- کامبوزیا، عالیه، اردشیر ملکی مقدم و آرزو سلیمانی (۱۳۹۲). مقایسه فرآیندهای واجی همخوان‌های گویش لری بالاگریوه با فارسی معیار. جستارهای زبانی، دوره ۴، شماره ۱، صص. ۱۵۱-۱۷۹.
- محمد ابراهیمی، زینب و پروین عبدی (۱۳۹۱). توصیف گروه‌های اسمی در گویش لری خرم‌آبادی. پژوهش‌های زبان‌شناسی شماره ۶، صص. ۸۱-۹۶.
- نجفوند دریکوندی، محمدرضا (۱۳۹۲). توصیف ساختمان فعل در گونه‌ی بالاگریوه از گویش لری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- Comrie, B. (1989). *Language universals and linguistic typology: Syntax and morphology*. Chicago: The University of Chicago Press.
- Fuji, N. & T. Ono (2000). The occurrence and non-occurrence of the Japanese direct object marker 'o' in conversation. *Studies in Language*, 24 (1), 1 – 39.
- Haspelmath, M. (2002). *Understanding morphology*. Oxford: Oxford University Press.
- Heim, I. (1983). File change semantics and the familiarity theory of definiteness. In R. Bäuerle, C. Shawarze and A. von Stechow (eds.), *meaning, use and interpretation of language* (pp. 164-189). Berlin: Walter de Gruyter.
- Hosseini Fatemi, M. (2014). The semantics of the Persian object marker -râ. *McGill Working Papers in Linguistics*, 24 (1), pp. 54-63.
- Lazard, G. (1992). *A grammar of contemporary Persian: English Translation*. Costa Meca, CA: Mazda Publishers.
- Lyons, C. (2003). *Definiteness*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Mahootian, S. & L. Gebhardt (1997). *Persian: Descriptive grammars*. London and New York: Routledge.
- Smith, C.S. (1964). Determiners and relative clauses in a generative grammar of English. *Language* 40 (1), pp. 37-52.
- Tallerman, M. (2015). *Understanding syntax (Third Edition)*. London: Hodder Education.
- Taylor, J.R. (2003). *Cognitive grammar*. Oxford: Oxford University Press.